

پیام اداری هفته

هفته نامه الکترونیک کلامی از جادوی مدیریت



شنبه (۹۴/۲/۱۲) سه شنبه (۹۴/۲/۱۸) جمعه

شماره پیام : ۱۲۹

سال سوم - سری ت

کد پیام : ۹/ت

✓ کاربرد الفاظ و معانی در منطق و بیان آدمی

گرچه منطق درباره تفکر بحث می کند ، لیکن ما انسانها حتی در تصورات ذهنیمان هم چه بسا با الفاظ کار می کنیم . در تصور نمودن در و دیوار و زمین و آسمان و ... الفاظ آنها را نیز در نظر می گیریم . پس الفاظ و معانی نوعاً در ذهن ما ملازم یکدیگر هستند و بخاطر این ملازمت نوعی ، باید احکام و حالات الفاظ را بدانیم تا مبدا اشتباه در آنها موجب بروز اشتباه در خود معانی کلمات هم بشود . به علاوه چون می خواهیم افکارمان را به دیگران منتقل کنیم بازهم باید مباحث الفاظ را بدانیم و بشناسیم . اولاً باید بدانیم لفظ ، یکی از انواع چیزهایی است که دلالت می کند . « دلالت یعنی راهنمایی چیزی به چیز و شیئی دیگر » . بطور کلی چهارگونه دلالت داریم : زیرا شیء دلالت کننده ممکن است لفظ باشد یا غیر لفظ . جهت دلالت هم یا وضع و قرارداد باشد ، یا اینکه قراردادی نبوده و از یک ارتباط واقعی ذاتی میان دو شیء منشأ گرفته باشد . (لفظ ، غیر لفظ + واقعی ، قراردادی)

۱) دلالت لفظ بر معنای قراردادی اش ، دلالت لفظی وضعی است . [واجد هر دو عامل است] ۲) دلالت هر لفظی بر گوینده اش دلالت لفظی غیر وضعی و غیر قراردادی است و همچنین است دلالت لفظی که از سرفه کردن تولید می شود بر درد سینه . ۳) دلالت تابلوهای راهنمایی - رانندگی وضعی و قراردادی است لیکن لفظی نبوده و غیر لفظی است . ۴) دلالت دود بر آتش یا سرعت ضربان قلب و نبض بر تب ، دلالتی قراردادی نیست و لفظی هم نیست . [فاقد هر دو عامل است] پس دلالت لفظی وضعی یکی از انواع و اقسام دلالت هاست که این طور تعریف شده است : لفظ طوری باشد که هر وقت ذکر شود معنایش فهمیده شود .

زندگی مادی و فکری ما انسانها بیشتر با دلالت لفظی وضعی انجام می شود و این نوع دلالت خود بر سه قسم است : مطابقه ، تضمّن و التزام .
اولی دلالت لفظ بر همه و کل معنایش می باشد ، دومی بر جزء معنا که در ضمن همه معنا و کل آن است و سومی بر چیزی خارج از معنا که همیشه لازمه اصل معنا می باشد . مثلاً دلالت اتاق بر همه سقف و دیوارها و زمین مطابقه است . نسبت به دیوارها فقط تضمّن است ، چون در ضمن همه معنا و کل آن فهمیده می شود ، ولی دلالتش بر در اتاق بطور التزام است . دلالت التزام در صورتی است که لزوم ذهنی میان اصل معنا و خارج معنا باشد که هر وقت در ذهن بیاید خارج معنا هم حاضر بشود . اینست که می گویند شرط دلالت التزام ، ملازمه ذهنی است و ملازمه خارجی شرط نیست .
چنانکه نایبائی التزاماً چشم را می فهماند ولی در خارج همیشه از آن جداست .